



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

امامان این امت دوازده نفرند

مرتضی عسگری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامان این امت دوازده نفرند

نویسنده:

مرتضی عسگری

ناشر چاپی:

المجمع العلمی الاسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امامان این امت دوازده نفرند
۶	مشخصات کتاب
۶	نص صریح پیامبر بر تعداد امامان
۶	حدیث عدد امامان
۷	امامان دوازده گانه در تورات
۸	فشرده احادیث گذشته
۹	حیرت علما در تفسیر این حدیث
۱۲	اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا
۱۲	معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا
۱۵	پاورقی
۱۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امامان این امت دوازده نفرند

مشخصات کتاب

سرشناسه: عسگری مرتضی - ۱۲۹۳
 عنوان و نام پدیدآور: امامان این امت دوازده نفرند/ مرتضی عسگری مترجم محمدجواد کرمی مشخصات نشر: [تهران: المجمع العلمی الاسلامی ۱۳۷۶.
 مشخصات ظاهری: ۴۷ ص ۵/۱۶ ۵/۱۱م فرست: (بر گستره کتاب و سنت ۶)
 شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۳۶-۴۱۰۰۰ریال؛ ۹۶۴-۵۸۴۱-۳۶-۴۱۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: عنوان اصلی من حدیث النبی صلی الله علیه و آله یکون هذه الامه اثنا عشر قیما.
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: ائمه اثنا عشر -- احادیث شناسه افزوده: کرمی محمدجواد، مترجم رده بندی کنگره: ۱۳۷۶ ۸۰۴۱ع/BP۳۶/۵
 رده بندی دیویی: ۳۹۷/۹۵
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۴۸۱۶۲

نص صریح پیامبر بر تعداد امامان

حدیث عدد امامان

رسول خدا(ص) خبر داده است که امامانی که بعد از او می آیند، دوازده نفرند. این موضوعی است که صاحبان کتب صحیح و مسند که نامشان در زیر می آید، از آن حضرت روایت کرده اند:
 الف) مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره روایت کند که گفت: شنیدم رسول خدا(ص) می فرمود: «این دین همیشه، تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپاست. این خلفا همگی از قریش اند.»
 در روایت دیگری آمده است: «همیشه کار مردم روبه راه است...»
 در دو روایت دیگر آمده است: «تا آنکه دوازده خلیفه بیایند...»
 در سنن ابو داود آمده است: «تا آنکه دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند.»
 در حدیث دیگری است که فرمودند: «تا پایان دوازده نفر [۱].»
 و در صحیح بخاری گوید: از پیامبر(ص) شنیدم که می فرمود: «دوازده نفر امیر و فرمانده اند.» راوی گوید: پیامبر(ص) پس از آن سخنانی فرمود که من نفهمیدم، پدرم گفت: فرمود: «همگی آنان از قریش اند.»
 در روایت دیگری می گوید: سپس رسول خدا(ص) سخنانی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم: رسول خدا(ص) چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود: همگی آنان از قریش اند [۲].
 در روایت دیگری است که فرمود: «دشمنی کسانی که با آنان دشمنی کنند، زبانی به ایشان نمی رساند [۳].»
 ب) در روایت دیگری است که رسول خدا فرمود:

«لَا تَرَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مُسْتَقِيمًا أُمَّهًا، ظَاهِرَةٌ عَلَى عَدُوِّهَا، حَتَّى يُمْضَى مِنْهُمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ، ثُمَّ يَكُونُ الْمَرْجُ أَوْ الْهَرَجُ.»
 کار این امت همیشه به سامان است و پیوسته بر دشمنانشان پیروزند تا آنگاه که دوازده نفر خلیفه، همگی از قریش، در گذرند. پس

از آن فساد و خرابی یا فتنه و آشوب خواهد بود. [۴].

(ج) در روایت دیگری آمده است که فرمود:

«این امت دوازده نفر قیم دارد که هر کس آنان را یاری نکند، زبانی به ایشان نرساند، همگی آنان از قریش اند.» [۵].

(د) در روایت دیگری فرمود:

«کار این مردم تا هنگامی که دوازده مرد بر آنان ولایت داشته باشند، همواره در جریان است.» [۶].

(ه) از قول انس روایت کنند که آن حضرت فرمود:

«این دین تا دوازده نفر از قریش باشند، به هیچ روی نابود نگردد؛ و چون از دنیا بروند، زمین نیز، اهل خود را فرو می برد.» [۷].

(و) در روایت دیگری فرمود:

«کار این امت، تا هنگامی که همه آن دوازده نفر قیام کنند، همیشه قرین پیروزی است. آنان همگی از قریش اند.» [۸].

(ز) احمد بن حنبل و حاکم و دیگران از مسروق روایت کنند که گفت: شبی نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن به ما می

آموخت که مردی پرسید: ای ابا عبدالرحمان! آیا از رسول خدا پرسیدید چه تعداد از این امت به خلافت می رسند؟ عبدالله گفت:

از هنگامی که به عراق آمده ام، هیچ کس پیش از تو، چنین سؤالی از من نکرده است. بعد گفت: ما این موضوع را [از رسول

خدا(ص)] پرسیدیم و آن حضرت فرمود: «آنان دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.» [۹].

(ح) در روایت دیگری ابن مسعود گوید: رسول خدا(ص) فرمود:

«خلفای بعد از من به تعداد اصحاب موسی هستند.» [۱۰].

ابن اثیر گوید: همانند این از عبدالله بن عمر و حذیفه و ابن عباس نیز، روایت شده است. [۱۱].

مؤلف گوید: نمی دانم مقصود ابن کثیر از روایت ابن عباس، همان است که حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده یا غیر آن

است.

روایات گذشته صریحاً می گوید: «عدد والیان دوازده نفر و همگی از قریش اند.» و امام علی(ع) در سخن خود مقصود از «قریش»

را در این روایات بیان کرده و می فرماید:

«همه امامان از قریش اند و در این تیره از هاشم [اهل البیت(ع)] جایگزین شده اند، [ولایت] برای غیر آنان روا نیست و والیان جز

ایشان شایسته [ولایت] نباشند.» [۱۲] و نیز فرمود:

اللَّهُمَّ بَلِي لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ...

خداوند! آری، زمین هرگز از قیام کننده به حق برای خدا خالی نخواهد شد، [این امام قائم]، یا پیروز است و نمایان و یا خائف

است و پنهان، تا حجت‌های خدا و نشانه های روشن الهی نابود نگردد. [۱۳].

امامان دوازده گانه در تورات

ابن کثیر گوید: در توراتی که در دست اهل کتاب است موضوعی آمده که معنای آن چنین است: «خداوند متعال ابراهیم(ع) را به

وجود اسماعیل(ع) بشارت داد و فرمود: اسماعیل را زیادتی بخشم و نسل او را گسترده گردانم و در بین آنان دوازده نفر از بزرگان

و فرزانشان قرار دهم.»

و گوید: «ابن تیمیه گوید: اینان که به وجودشان بشارت داده شده، همان است که در حدیث جابر بن سمره آمده و مقرر گردیده تا

در میان امت پراکنده باشند و اینکه قیامت برپا نگردد مگر آنکه موجود شده باشند، و بسیاری از یهودیانی که به اسلام مشرف شده

اند، اشتباه کرده و پنداشته اند آنان همان کسانی اند که فرقه رافضیه [شیعیان دوازده امامی] به سوی آنان دعوت کرده و از ایشان

پیروی می کنند.» [۱۴].

مؤلف گوید: بشارت مورد اشاره در «سفر پیدایش» تورات امروزین، باب [۱۷، شماره ۱۸ - ۲۰] اصل عبری چنین است: **قی لیשמاعیل بیرختی اوتوقی هفریتی اوتوقی هریتی بمئود شنیم عسار نسیئیم یولید قی ننتیف لگوی گدول.** [۱۵].
ترجمه: اسماعیل را مبارک ساخته و جداً او را بهره مند و پر بار و کثیر و گسترده گردانم، دوازده عدد امام از او پدید آید و او را به امت بزرگ و عظیمی تبدیل خواهم کرد.

این بخش از تورات اشاره به آن دارد که، مبارکی و پرباری و کثرت افراد تنها در نسل اسماعیل (ع) است. واژه «شنیم عسار» یعنی: دوازده نفر، که لفظ «عسار» در اعداد ترکیبی که معدود آن مذکر باشد، می آید و معدود در اینجا «نسیئیم» و مذکر است و با اضافه شدن «یم» [۱۶] در آخر آن معنای جمع می دهد. مفرد آن «ناسی» یعنی: امام و پیشوا و رئیس است. [۱۷].
و اما سخن خداوند به ابراهیم (ع) در همان بخش نیز، یعنی عبارت «فی ننتیف لگوی گدول»، واژه «فی ننتیف» مرکب است از «فی» که حرف عطف است، و «ناتن» که فعل است و به معنای: قرار می دهم، و «یف» که ضمیر است و در آخر فعل آمده به اسماعیل (ع) باز می گردد، یعنی: او را [چنین] قرار می دهم. [۱۸] و اما لفظ «گوی» به معنای امت و مردم است، و «گدول» [۱۹] به معنای «کبیر و عظیم» [۲۰] و تمام جمله یعنی: «او را امت کبیر و بزرگی گردانم».

از مجموع این فقره روشن می گردد که مقصود از «کثرت و برکت» در نسل اسماعیل (ع) دقیقاً رسول خدا محمد (ص) و اهل بیت آن حضرت (ع) می باشند، و آنانند که دنباله و امتداد نسل اسماعیل (ع) هستند. زیرا، خداوند متعال به ابراهیم (ع) فرمود: از سرزمین نمرود خارج شده و به شام برو. آن حضرت نیز، همراه با همسرش ساره و لوط به فرمان خدا هجرت کردند و در سرزمین فلسطین فرود آمدند.

خداوند متعال ثروت ابراهیم (ع) را بسیار فزونی بخشید. ابراهیم گفت: «خداوندا من با این مال بدون اولاد چه کنم؟» خدای متعال به او وحی کرد: «من فرزندان تو را به قدری کثیر و بسیار گردانم که به تعداد ستارگان باشند.» در آن زمان هاجر کنیزک ساره بود و او را به ابراهیم (ع) بخشید، هاجر از ابراهیم (ع) باردار شد و اسماعیل (ع) را برای او به دنیا آورد. سن ابراهیم (ع) در آن حال ۸۶ سال بود. [۲۱].

قرآن کریم در ضمن دعای ابراهیم (ع) و درخواست او از خدای متعال، به این حقیقت روشن اشاره کرده و می فرماید: ابراهیم گفت:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ [۲۲]؛ پروردگارا! من برخی از ذریه خود را در بیابانی خشک، در کنار خانه محترم تو جای دادم تا نماز را به پای دارند. پروردگارا! دلها را از مردمان را به سوی آنان بگردان و آنان را از ثمرات روزی ده باشد که سپاس گویند.

این آیه کریمه تأکید می کند که ابراهیم (ع) برخی از ذریه و نسل خود را که اسماعیل و فرزندان متولد او در مکه بودند، در کنار خانه خدا جای داد و از خدای متعال درخواست کرد تا رحمت و هدایت بشر در طول تاریخ را بر عهده ذریه و فرزندان او قرار دهد، خداوند نیز دعوتش را پذیرفته و آن را در نسل او، محمد (ص) و دوازده امام (ع) قرار داده است.

امام باقر (ع) در این باره فرموده است: **نَحْنُ بَقِيَّةُ تِلْكَ الْعِتْرَةِ وَ كَانَتْ دَعْوَةُ اِبْرَاهِيمَ لَنَا؛ مَا يَمِمْ بَقِيَّةُ اَنْ [ذریه و] عترت و دعای ابراهیم (ع) برای ما بود.** [۲۳].

فشرده احادیث گذشته

خلاصه آنچه که گذشت و نتیجه آن، این می شود که: «تعداد امامان در این امت دوازده نفر پی در پی هستند، و پس از دوازدهمین

امام، عمر این دنیا پایان می‌گیرد.»

در حدیث اول آمده بود:

«این دین تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپا خواهد بود...»

این حدیث، مدت برپا بودن این دین را تعیین، و آن را به برپایی قیامت محدود ساخته و تعداد امامان این امت را دوازده نفر دانسته است.

در حدیث پنجم آمده بود:

«این دین پیوسته تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست، و هنگامی که درگذرند، زمین اهل خود را فرو می‌برد.»

این حدیث نیز، وجود و بقای دین را تا پایان عمر امامان دوازده گانه تأیید کرده و پایان عمر آنان را پایان دنیا می‌داند.

در حدیث هشتم نیز، عدد امامان(ع) را تنها دوازده نفر دانسته و فرموده:

«خلفای پس از من به تعداد اصحاب موسی هستند.»

این حدیث دلالت بر آن دارد که بعد از رسول خدا(ص) به جز خلفای دوازده گانه، خلیفه دیگری نخواهد بود.

الفاظ این روایات که با صراحت می‌گویند: «عدد خلفا تنها دوازده نفر است و بعد از آنان هرج و مرج و نابودی زمین و برپایی قیامت است» دیگر الفاظی را که چنین صراحتی از آنها دانسته نمی‌شود، بیان و تبیین می‌کند.

بنابراین، لازم است عمر یکی از امامان دوازده گانه، بر خلاف عمر عادی انسانها، طولانی و خارق العاده باشد.

چنانکه اکنون واقع شده و دوازدهمین امام از «ائمه اثنی عشر» و اوصیای رسول خدا(ص) بدین گونه است.

حیرت علما در تفسیر این حدیث

دانشمندان مکتب خلفا در بیان مقصود از «امامان دوازده گانه» که در این روایت آمده است، دچار حیرت و زحمت شده و دیدگاههای متفاوتی ارائه داده اند.

ابن عربی شارح سنن ترمذی گوید:

ما امیران بعد از رسول خدا(ص) را که برشمردیم دیدیم: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبدالملک مروان، ولید، سلیمان، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، مروان بن محمد بن مروان، سفاح و... هستند.

او پس از آن بیست و هفت نفر از خلفای عباسی تا عصر خود را برشمرده و گوید:

«اگر از مجموع آنها «دوازده نفر» را به صورت ظاهر شماره کنیم آخرین آنها سلیمان بن عبدالملک است، و اگر به معنای واقعی خلیفه نظر داشته باشیم، تنها پنج نفر برای ما باقی می‌ماند: خلفای چهار گانه و عمر بن عبدالعزیز. بنابراین، من معنایی برای این حدیث نمی‌یابم.» [۲۴].

قاضی عیاش در جواب این سخن که می‌گوید: بیش از این تعداد [دوازده نفر] به ولایت رسیدند، گفته است: «این اعتراضی نادرست است. زیرا پیامبر(ص) فرموده است تنها دوازده نفر به ولایت می‌رسند. البته این تعداد به ولایت رسیده اند و این مطلب از اضافه شدن بر تعداد آنها منع نمی‌کند.» [۲۵].

سیوطی در جواب آن سخنی را نقل کرده که گوید:

«مراد حدیث، وجود «دوازده نفر خلیفه» در طول دوران اسلام تا قیامت است که عامل بر حق باشند، اگرچه پی در پی نباشند.» [۲۶]

در فتح الباری گوید:

«یقیناً از این تعداد [دوازده نفر] خلفای چهارگانه در گذشته اند، و بقیه نیز، به ناچار باید تا پیش از برپایی قیامت، تکمیل گردد.» [۲۷].

ابن جوزی گوید:

«بنابراین، آنجا که فرموده: «سپس فتنه و آشوب خواهد بود»، مراد فتنه های پیش از برپایی قیامت مانند: خروج دجال و بعد آن می باشد.» [۲۸].

سیوطی گوید: «از این «دوازده نفر» خلفای چهارگانه و حسن و معاویه و عبدالله بن زبیر و عمر بن عبدالعزیز، این هشت نفر، روی کار آمده اند و احتمال اینکه مهدی عباسی را هم به آنان اضافه کنیم - که او در بین عباسیان همانند عمر بن عبدالعزیز در میان امویان است - و نیز، طاهر عباسی را به خاطر عدالت خواهی اش، باز هم دو نفر باقی و مورد انتظار است که یکی از آنان مهدی آل محمد (ص) از اهل البیت خواهد بود.» [۲۹].

و نیز، گفته شده:

«مراد حدیث آن است که، آن «دوازده نفر» در دوران عزت خلافت و قوت اسلام و استواری امور آن باشند، از کسانی که در زمان وی، اسلام عزیز گشته و همه مسلمانان پیرامون او گرد آیند.» [۳۰].

بیهقی گوید: «این تعداد [دوازده نفر] تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک روی کار آمدند، سپس فتنه و آشوب بزرگ برپا شد و پس از آن حکومت عباسیان غالب آمد، و اینکه بر عدد مذکور می افزایند بدان خاطر است که صفت مورد اشاره در حدیث را رها کرده و یا کسانی را که بعد از فتنه مذکور آمده اند از آنان شمرده اند.» [۳۱].

و نیز گفته اند: «کسانی که امت بر آنان اجتماع کرده اند: خلفای ثلاثه و سپس علی تا زمان حکمیت در صفین که معاویه را در آن روز خلیفه نامیدند. سپس با صلح حسن بر معاویه اجتماع کردند و پس از او بر پسرش یزید. حسین هم که پیش از رسیدن به خلافت کشته شد. با مرگ یزید اختلاف کردند تا آنکه پس از کشته شدن ابن زبیر، بر عبدالملک مروان اجتماع نمودند و سپس بر فرزندان چهارگانه او: ولید و سلیمان و یزید و هشام که در این جمع عمر بن عبدالعزیز میان سلیمان و یزید فاصله شد و دوازدهمین آنان ولید بن یزید بن عبدالملک بود که مردم پس از هشام بر او اجتماع کردند و او چهار سال حکومت کرد.» [۳۲].

بنابراین، خلافت این دوازده نفر به خاطر اجتماع مسلمانان بر آنها صحیح است، و پیامبر (ص) مسلمانان را به خلافت و جانشینی اینان از خودش - در حمل و انتقال اسلام به مردم - بشارت داده است!

ابن حجر درباره این توجیه گوید: «این بهترین توجیه است.»

و ابن کثیر گوید:

«راهی را که بیهقی پیموده و عده ای با وی موافقت کرده اند، یعنی اینکه، مراد حدیث خلفای پی در پی تا زمان ولید بن عبدالملک فاسق می باشد، ولیدی که در گذشته در مذمت او سخن گفتیم، راهی غیرمقبول است. زیرا، خلفای مورد اشاره تا زمان ابن ولید، بیش از «دوازده نفرند، دلیل آن، این است که: خلافت ابوبکر و عمر و عثمان و علی مسلم است... پس از آنان حسن بن علی است چنانکه واقع شد و علی او را وصی خود قرار داد و مردم عراق با او بیعت کردند... تا آنکه او و معاویه صلح کردند. سپس پسر معاویه یزید و بعد، پسر یزید معاویه بن یزید و سپس مروان بن حکم و بعد پسرش عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک، سپس سلیمان بن عبدالملک، و بعد عمر بن عبدالعزیز و پس از وی یزید بن عبدالملک و بعد هشام بن عبدالملک، که جمع آنها پانزده نفر می شود و سپس ولید بن یزید بن عبدالملک، و اگر حکومت ابن زبیر پیش از عبدالملک را نیز به حساب آوریم، می شوند شانزده نفر، و با این حساب، یزید بن معاویه جزء آن دوازده نفر شده و عمر بن عبدالعزیز که همه پیشوایان بر مدح و سپاس او متفق القولند،

و او را از خلفای راشدین به شمار آورده و همه مردم بر عدالت او اتفاق نظر دارند، و دوران او از بهترین دورانها بوده و حتی شیعیان نیز بدان اعتراف دارند، از جمع «دوازده نفر» خارج می‌گردد.

و اگر بگویید: من تنها کسانی را به حساب می‌آورم که امت بر آنان اجتماع کرده باشند، لازمه اش آن است که علی بن ابی طالب و فرزندش به حساب نیایند، زیرا همه مردم بر آن دو اجتماع نکردند، دلیلش آنکه مردم شام، همگی، از بیعت با او سر باز زدند.» و نیز گوید: «برخی توجیه کنندگان، معاویه و پسرش یزید و نوه اش معاویه بن یزید را به شمار آورده، و زمان مروان و ابن زبیر را قید نکرده اند، زیرا امت بر هیچ یک از آنها اجتماع نکرده اند.»

بنابر این دیدگاه نیز، می‌گوییم: «در این مسلک خلفای سه گانه سپس معاویه و بعد یزید و سپس عبدالملک و بعد ولید بن سلیمان و سپس عمر بن عبدالعزیز و بعد یزید و بعد هشام به شمار آیند که جمعاً ده نفرند و بعد از آنها ولید بن یزید بن عبدالملک فاسق است که لازمه این دیدگاه نیز، اخراج علی و پسرش حسن خواهد بود، و این دقیقاً بر خلاف آنی است که امامان اهل سنت و بلکه شیعه بر آن تصریح کرده اند.» [۳۳].

ابن جوزی در کتاب کشف المشکل در جواب از این توجیهاات دو وجه دیگر را نقل کرده که گویند:

اول - «پیامبر(ص) در حدیث خویش اشاره به حوادث بعد از خود و اصحاب خود ندارند، و چون حکم اصحاب با حکم آن حضرت پیوسته و مرتبط است، نتیجه می‌گیریم که خبر از حکومت‌های واقع شده پس از صحابه است و چنان می‌نماید که با بیان خود اشاره به عدد خلفای بنی امیه دارد، و گویا سخن آن حضرت: «لا- یزال الدین» یعنی: ولایت تا آنجا که دوازده خلیفه به حکومت رسند، سپس اوضاع به حالت دیگری، بدتر از حال اول، برمی‌گردد. با این حساب، اولین خلیفه بنی امیه یزید بن معاویه و آخرینشان مروان حمار است که تعدادشان «سیزده نفر» می‌باشد، و عثمان و معاویه و ابن زبیر به شمار نیایند، زیرا آنها از صحابه اند و اگر مروان بن حکم را نیز - به دلیل اختلاف در صحابی بودن یا مغلوبیتش در برابر عبدالله بن زبیر و اجتماع مردم بر عبدالله - از جمع مذکور خارج کنیم، «عدد دوازده» راست می‌آید، و پس از خروج خلافت از دست بنی امیه نیز، فتنه های عظیم و خونریزیهای بسیار واقع شد تا آنکه دولت بنی عباس مستقر گردید و اوضاع از آنچه بر آن بود، کاملاً متغیر و دگرگون شد.» [۳۴].

ابن حجر در فتح الباری این استدلال را مردود دانسته است.

دوم - ابن جوزی «وجه دوم» را از جزوه ای که ابوالحسین بن منادی درباره مهدی گرد آورده نقل کرده که گوید:

«ممکن است این موضوع مربوط به بعد از مهدی ای باشد که در آخر الزمان خروج می‌کند. زیرا، من در کتاب دانیال دیده ام که: «هنگامی که مهدی وفات کند، پنج تن از نوادگان سبط اکبر به حکومت می‌رسند، سپس پنج تن از نوادگان سبط اصغر، پس از آن آخرینشان مردی از سبط اکبر را وصی خود می‌کند، بعد از او پسرش به حکومت می‌رسد و بدین ترتیب «دوازده نفر» حاکم می‌شوند که هر یک از آنان امام و مهدی هستند. گوید: در روایات دیگری است «... پس از او دوازده نفر مرد: شش تن از اولاد حسن، و پنج تن از اولاد حسین، و یک نفر از غیر ایشان به حکومت می‌رسند و چون فرد اخیر می‌میرد فساد عالم گیر می‌شود.»

ابن حجر در صواعق خود بر این حدیث حاشیه زده و گوید:

«این روایت، یقیناً روایتی واهی است و اعتمادی بر آن نیست!» [۳۵].

گروه دیگری گویند:

«ظن غالب آن است که آن حضرت علیه الصلاه و السلام، در این حدیث، از عجایب بعد از خود خبر داده، فتنه هایی که مردم را در یک زمان متفرق کرده و تحت فرمان «دوازده» امیر می‌کشاند و اگر غیر این را اراده کرده بود می‌فرمود: «دوازده امیرند که چنین می‌کنند» و چون چنین وصفی برای آنها بیان نکرده اینگونه می‌فهمیم که اینان در زمان واحد خواهند بود...» [۳۶].

گفته اند در قرن پنجم هجری تنها در «اندلس» واقعه ای رخ داد که شش نفر همگی خود را «خلیفه» می‌نامیدند. اضافه بر آنها،

حاکم مصر، خلیفه عباسی بغداد و دیگر مدعیان خلافت، از علویان و خوارج نیز، مدعی خلافت بودند [۳۷].
ابن حجر درباره این توجیه گوید: «این سخن کسی است که به چیزی از طرق حدیث - جز آنچه که به نحو فشرده در بخاری آمده - آگاهی نداشته است.» [۳۸] و نیز گوید: «وجود آنان در زمان واحد، عین پراکندگی و افتراق است و نمی تواند مراد حدیث باشد.» [۳۹].

مؤلف گوید:

بدین گونه، علمای مکتب خلفا در تفسیر روایات گذشته، به دیدگاه واحدی نرسیدند. علاوه بر آن، از آوردن روایاتی که رسول خدا(ص) اسامی آن دوازده نفر را بیان فرموده نیز، اغماض و اهمال کرده اند. زیرا، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی در تخالف و تضاد بوده است. این روایات را محدثان مکتب اهل البیت(ع) در تألیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می رسد، از رسول خدا(ص) روایت کرده اند و ما در بخش آینده به آوردن اندکی از آنها که هر دو گروه در کتب خود آورده اند، بسنده می کنیم.

اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا

الف) امام جوینی [۴۰] از عبدالله بن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا(ص) فرمود:

أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَاءِي بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ؛
من آقای پیامبران و علی بن ابی طالب آقای اوصیاست، همانا اوصیایم پس از من «دوازده» نفرند، اولینشان علی بن ابی طالب و آخرینشان مهدی است.

ب) امام جوینی باز هم به سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا(ص) فرمود:

«همانا خلفای من و اوصیایم و حجت‌های خدا بر مردم پس از من «دوازده» نفرند، اولینشان برادرم و آخرینشان فرزندم خواهد بود. گفته شد: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: «مهدی است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و ستم انباشته شده است. قسم به آنکه مرا بشارتگر و بیم دهنده بر حق فرستاده، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند این روز را آنقدر طولانی کند تا فرزند من مهدی در آن خروج کند و روح خدا عیسی بن مریم فرود آید و در پس او نماز بگزارد و زمین از نور پروردگارش روشن گردد، و فرمانروائی اش مشرق و مغرب را فرا گیرد.»

ج) جوینی باز هم به سند خود روایت کند که راوی گفت: شنیدم رسول خدا می فرمود:

أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ.

من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پاکیزگان و معصومانیم. [۴۱].

سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون بر آن بود که امثال اینگونه احادیث را از دسترس ابنای امت اسلامی به دور داشته و بر آنها پرده پوشاند و راستی را که بخش عظیم پیروان این مکتب در این راه، جهاد شایانی کردند، و ما نمونه هایی از آن را در بحث و بررسی از اقدامات مکتب خلفا با نصوص سنت رسول الله(ص) که مخالف دیدگاهشان بود در معالم المدرستین آوردیم و چون در این بحث مجالی برای آوردن آن احادیث نداریم، تنها روایاتی را می آوریم که به معرفی امامان دوازده گانه پرداخته است. روایاتی از رسول خدا(ص) که در آنها متواتراً به اسامی ایشان اشاره و تصریح شده است.

معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا

امام اول: امیرالمؤمنین علی(ع)، پدرش ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم.

کنیت آن حضرت: ابولحسن و الحسین، ابو تراب.

لقب آن حضرت: وصی، امیرالمؤمنین.

تولد آن حضرت: در سال سی ام پس از «عام الفیل» در بیت الله الحرام، کعبه، [۴۲] به دنیا آمد.

وفات آن حضرت: در سال چهارم هجری به دست عبدالرحمن بن ملجم، - یکی از خوارج - به شهادت رسید و در بیرون کوفه،

نجف اشرف، دفن گردید.

امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب(ع).

مادرش فاطمه زهرا(ع) دخت گرامی رسول خدا(ص).

کنیه آن حضرت: ابو محمد.

لقب آن حضرت: سبط اکبر، مجتبی.

ولادت آن حضرت: در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.

وفات آن حضرت: در بیست و پنجم ربیع الاول سال پنجاهم هجری به شهادت رسیده و در بقیع، در مدینه منوره دفن گردید.

امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب(ع).

مادرش فاطمه زهرا(ع) دخت گرامی رسول خدا(ص).

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: سبط، شهید کربلا.

ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه.

وفات: در دهم محرم سال ۶۱ هجری به همراه اهل بیت و یارانش در کربلا به دست یزیدیان به شهادت رسید. مزار آن حضرت نیز،

هم اکنون در کربلا یکی از شهرهای عراق است [۴۳].

امام چهارم: علی بن الحسین(ع).

مادرش غزاله یا شاه زنان.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: زین العابدین، سجاد.

تولد: در سال ۳۳ یا ۳۷ یا ۳۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۹۴ هجری به شهادت رسیده و در بقیع جنب عمویش امام حسن(ع) دفن گردید. [۴۴].

امام پنجم: محمد بن علی(ع).

مادرش ام عبدالله دخت امام حسن بن علی(ع).

کنیت: ابو جعفر.

لقب: باقر.

ولادت: در سال ۵۷ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۱۷ هجری در مدینه به شهادت رسیده و در بقیع در کنار پدرش زین العابدین(ع) دفن گردید. [۴۵].

امام ششم: جعفر بن محمد(ع).

مادرش ام فروه دخت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: صادق.

ولادت: در سال ۷۳ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیده و در بقیع در جنب پدرش امام باقر(ع) دفن گردید [۴۶].

امام هفتم: موسی بن جعفر(ع).

مادرش حمیده.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: کاظم.

ولادت: در سال ۱۲۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۸۳ هجری در زندان خلیفه هارون الرشید در بغداد به شهادت رسید و در قبرستان قریش بخش غربی بغداد امروزین،

معروف به شهر کاظمیه دفن گردید. [۴۷].

امام هشتم: علی بن موسی(ع).

مادر: خیزران.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: رضا.

ولادت: در سال ۱۵۳ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۰۳ ه به شهادت رسیده و در طوس خراسان [مشهد] مدفون است. [۴۸].

امام نهم: محمد بن علی(ع).

مادر: سکینه.

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: جواد.

ولادت: در سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۲۰ هجری در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش موسی بن جعفر(ع) دفن گردید. [۴۹].

امام دهم: علی بن محمد(ع).

مادر: سمانه مغریه.

کنیت: ابوالحسن عسکری.

لقب: هادی.

ولادت: در سال ۲۱۴ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۵۴ هجری به شهادت رسید و در شهر سامرای عراق دفن گردید. [۵۰].

امام یازدهم: حسن بن علی(ع).

مادر: ام ولد به نام سوسن.

کنیت: ابو محمد.

لقب: عسکری.

ولادت: در سال ۲۳۱ هجری در سامرا.

وفات: در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده و در سامرا دفن گردید. [۵۱].

امام دوازدهم: حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه.

مادر: ام ولد به نام نرجس یا صیقل.

کنیت: ابو عبدالله، ابوالقاسم.

لقب: قائم، منتظر، خلف، مهدی، صاحب الزمان.

ولادت: در سال ۲۵۵ هجری در سامرا.

آن حضرت آخرین امام از «ائم دوازده گانه» است که تاکنون زنده است. تا هرگاه خدا بخواهد - به فرمان خدا - قیام کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

تذکر و توضیحی مهم!

در یکی از روایات گذشته آمده بود:

«... دوازده نفر خلیفه از آنان در می گذرد و پس از آن فتنه و آشوب می گردد.»

و در دیگری آمده بود:

«این دین همواره - تا زمانی که دوازده نفر از قریش باقی باشند - استوار و برپاست، و هرگاه از دنیا بروند زمین اهل خود را فرو می برد.»

این دو عبارت دلالت بر آن دارند که بعد از دوازدهمین امام از امامان پس از رسول خدا(ص)، عمر این عالم پایان می یابد. بنابراین، لازم است عمر یکی از این دوازده نفر تا نهایت این دنیا به طول انجامد، و این چیزی است که اکنون با طول عمر وصی دوازدهم، مهدی آل محمد(ص)، محمد بن الحسن العسکری(ع) به وقوع پیوسته است. زیرا، مجموعه آن روایات تنها بر امامان دوازده گانه مذکور صادق بوده و بر غیر ایشان راست نیاید.

باورقی

[۱] صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، حدیث ۱۸۲۱، این روایت را از آن رو برگزیدیم که جابر خود آن را نوشته است. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۵، کتاب الاحکام؛ سنن ترمذی، باب ما جاء فی الخلفاء من ابواب الفتن؛ سنن ابو داود، ج ۳، ص ۱۰۶، کتاب المهدی؛ مسند طرابلسی، حدیث ۱۲۷۸-۷۶۷؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶-۹۰، ۱۰۱-۱۰۸، ۹۲-۱۰۶؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۶-۲۷؛ حلیه الاولیاء ابو نعیم، ج ۴، ص ۳۳۳.

جابر بن سمره بن عامری خواهرزاده سعد بن ابی وقاص است که بعد از سال هفتاد هجری در کوفه وفات کرد. صاحبان کتب صحیح ۱۶۴ حدیث از او روایت کرده اند. شرح حال او در کتابهای اسدالغابه، تقریب التهذیب و جوامع السیره، ص ۲۷۷ آمده است.

[۲] فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۶۱۷.

[۳] فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸.

[۴] منتخب کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲۱؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۶؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۸.

[۵] کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷ و منتخب آن، ج ۵، ص ۳۱۲.

[۶] شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۱۲، ص ۲۰۲؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۸؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰.

[۷] کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷.

[۸] همان.

[۹] مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰۶-۳۹۸؛ احمد شاکر در حاشیه اول (۳۹۸) گوید: اسناد آن صحیح است. مستدرک حاکم و تلخیص آن، ج ۴، ص ۵۰۱؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۰؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰؛ جامع الصیفر، سیوطی، ج ۱، ص ۷۵؛ کنز العمال، متقی، ج ۱۳، ص ۲۷ گوید: طبرانی و نعیم بن حماد نیز آن را در فتن آورده اند. فیض القدر، ج ۲، ص ۴۵۸؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۵۰-۲۴۸، در باب ذکر الأئمة الاثنی عشر الذین کلهم من قریش، از ابن مسعود.

[۱۰] تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۸؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۷؛ شواهد التنزیل حسکانی، ج ۱، ص ۴۵۵، حدیث ۶۲۶.

[۱۱] ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۸.

[۱۲] نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲.

[۱۳] ینابیع الموده، شیخ سلیمان حنفی در باب صدم، ص ۵۲۳؛ احیاء علوم الدین، غزالی، ج ۱، ص ۴؛ حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۸۰ فشرده.

[۱۴] تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

[۱۵] عهد قدیم، سفر التکرین، باب ۱۷، ش ۲۰، ص ۲۳-۲۳.

[۱۶] المعجم الحدیث: عبری عربی، ص ۳۱۶.

[۱۷] همان، ص ۳۶۰.

[۱۸] همان، ص ۸۴ و ۳۱۷.

[۱۹] المعجم الحدیث، عبری - عربی، ص ۳۱۷-۸۴.

[۲۰] همان.

[۲۱] تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴-۲۵، نشر مؤسسه نشر فرهنگ اهل البیت (ع)، قم.

[۲۲] سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

[۲۳] آنچه در اصل عبری تورات و تعلیقه آن آمده، آن را از مقاله استاد احمد الواسطی در مجله توحید نشریه سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ش ۵۴ [ص ۱۲۸-۱۲۷] نقل کردیم.

[۲۴] شرح ابن عربی بر سنن ترمذی، ج ۹، ص ۶۸-۶۹.

[۲۵] شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲-۲۰۱؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹. عبارت متن از اوست، در ص ۳۴۱ نیز آن را آورده است.

[۲۶] تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۲.

[۲۷] فتح الباری، ج ۶، ص ۳۴۱؛ تاریخ الخلفاء، ص ۱۲.

[۲۸] همان.

[۲۹] الصواعق المحرقة، ص ۱۹ و تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۲. بنابراین، برای پیروان مکتب خلفا دو امام منتظر خواهد بود که یکی از آنان مهدی (ع) است در حالی که پیروان مکتب اهل البیت (ع) تنها یک امام منتظر دارند.

[۳۰] نووی در شرح صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۳-۲۰۲ به این موضوع اشاره کرده و ابن حجر در فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۱-

۳۳۸ و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۰ آن را آورده اند.

[۳۱] تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۴۹، به نقل از بیهقی.

[۳۲] تاریخ الخلفاء، ص ۱۱؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۹؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۱.

[۳۳] تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۵۰-۲۴۹.

[۳۴] فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۰، به نقل از ابن جوزی در کتاب کشف المشکل.

[۳۵] فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۴۱؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۹.

[۳۶] فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸.

[۳۷] شرح نووی، ج ۱۲، ص ۲۰۲؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

[۳۸] فتح الباری، ج ۱۶، ص ۳۳۸.

[۳۹] همان، ص ۳۳۹.

[۴۰] ذهبی، رجالی معروف در کتاب تذکره الحفاظ، ص ۱۵۰۵، درباره او گوید: امام محدث یگانه اکمل، فخرالاسلام، صدرالدین ابراهیم محمد بن حمویه جوینی شافعی، شیخ صوفیه، شدیداً نسبت به روایت و گردآوری اجزای آن عنایت داشت. غازان شاه به دست او اسلام آورد.

[۴۱] احادیث: الف، ب و ج در کتاب فرائد السمطین: نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۱۶۴ و ۱۶۹۱-۱۶۹۰، برگه ۱۶۰ آمده است.

[۴۲] فاطمه بنت اسد، مادر امام(ع)، در حال بارداری مشغول طواف بود که درد زایمان به سراغش آمد، در این هنگام درب کعبه گشوده و او داخل شد و فرزندش علی را به دنیا آورد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید: مستدرک، ج ۳، ص ۴۸۳؛ تذکره خواص الامه، ص ۱۰؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۷.

[۴۳] مراجعه کنید: شرح حال ائمه: علی و دو فرزندش حسن و حسین(ع)، حوادث سال ۴۰، ۵۰ و ۶۰ هجری در تاریخ طبری، ابن اثیر، ذهبی و ابن کثیر، و نیز، به شرح حال ایشان در تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، استیعاب، اسدالغابه، اصابه و طبقات ابن سعد، چاپ جدید.

[۴۴] مراجعه کنید: تاریخ ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ ه و نیز، به شرح حال امام(ع) در طبقات ابن سعد، حلیه الاولیا، و فیات الاعیان و تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳ و تاریخ مسعودی، ج ۳، ص ۱۶۰.

[۴۵] مراجعه کنید: تذکره الحفاظ، ذهبی؛ و فیات الاعیان؛ صفوه الصفوه؛ حلیه الاولیاء؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰؛ تاریخ الاسلام، ذهبی؛ تاریخ ابن کثیر، حوادث سال ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۸۸، شرح حال امام باقر(ع).

[۴۶] مراجعه کنید: شرح حال امام صادق(ع) در حلیه الاولیاء؛ و فیات الاعیان؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ تاریخ مسعودی، ج ۳، ص ۳۴۶.

[۴۷] مراجعه کنید: شرح حال امام کاظم(ع) در مقاتل الطالبیین؛ تاریخ بغداد؛ و فیات الاعیان؛ صفوه الصفوه؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۴.

[۴۸] مراجعه کنید: تاریخ طبری، ابن کثیر؛ تاریخ الاسلام ذهبی؛ و فیات الاعیان، حوادث سال ۲۰۳ هجری؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ مسعودی، ج ۳، ص ۴۴۱.

[۴۹] مراجعه کنید: تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۴؛ و فیات الاعیان؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۴۸؛ مسعودی، ج ۳، ص ۴۶۴.

[۵۰] مراجعه کنید: تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶؛ و فیات الاعیان؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴؛ مسعودی، ج ۴، ص ۸۴.

[۵۱] مراجعه کنید: وفيات الاعيان؛ تذکره الخواص؛ مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، شیخ کمال طلحه شافعی [ت: ۶۵۴ هجری]؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

